

## معرفی و نقد کتاب مستطاب مجالس المؤمنین

■ علی شوره‌زاری

عضو هیئت علمی گروه علوم کتابداری دانشگاه تبریز



■ شوشتري، نورالله بن شريف الدين (۹۵۶ - ۱۰۲۹ ق.)  
کتاب مستطاب مجالس المؤمنین، تهران:  
کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۵۴، ۲ ج.

الامامیه است، که کافی است بر فضل و احاطه او بر علوم عصر خود به کتاب احقاق الحق مراجعه شود. وی معاصر شیخ بهایی بوده و به دلیل تشیع در اکبرآباد هند، که امروزه آگره خوانده می‌شود، کشته شده است (قمی، ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۶۲).

سیدنورالله در سال ۹۵۶ ق. در شوشتر در خانواده‌ای از سادات دانشمند که نسبش به امام زین‌العابدین (ع) می‌رسیده است، به دنیا می‌آید. پدرش سیدشریف‌الدین از علمای بزرگ و متبحر در علوم نقلی و عقلی عصر خود بوده و از وی تألیفاتی در زمینه‌های گوناگون باقی مانده است که از جمله می‌توان این کتاب‌ها را نام برد: رساله حفظ الصحة فی الطب، رساله فی اثبات الواجب تعالی، رساله فی شرح الخطبة الشقشقیة (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷).

سیدنورالله دروس آغازین همچنین کتب اربعه، فقه، اصول، کلام و ریاضیات را نزد پدر آموخت، سپس در سال ۹۷۹ ق. برای ادامه تحصیل راهی مشهد مقدس شد، و پس از تکمیل تحصیلات خود در حدیث و تفسیر و سایر علوم اسلامی از بزرگان و علمای آن عصر اجازه روایت کسب کرد.

قاضی نورالله علاوه بر آثاری که ذکر شد، توانست کتاب‌های ارزشمند فراوانی را به جامعه شیعی تقدیم کند. اما از آنجاکه خود در نامه‌ای می‌نویسد، فقیر نام خود را در تصانیف ننوشته تا قربه الی الله باشد و ایضا هرگز به کسی از مخالفان اظهار نکرده که آن تصانیف

مقدمه  
منابع سرگذشت‌نامه‌ای، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع منابع مرجع، مورد مطالعه و استناد پژوهشگران در رشته‌های گوناگون است. پژوهشگران علوم اجتماعی و تاریخ برای بررسی حوادث تاریخی، نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی و رهبران آنها، آشنایی با شخصیت‌های اثرگذار در شکل‌دادن به باورها و فرهنگ مردم، شیوه‌های حکومت و اداره جامعه در دوره‌های خاص؛ پژوهشگران ادبیات به‌منظور بررسی سبک‌های ادبی و آشنایی با زوایای زندگی شخصیت‌های ادبی و سخنوران صاحب سبک، آشنایی با سیر تطور در گویش‌ها و ادبیات؛ پژوهشگران علوم دینی به‌منظور آشنایی با رجال علم و دین و استنباط‌های آنها از احکام شرع، خطبه‌ها و مناظرات علمای مذاهب با رقیبا یا رفقا؛ کتابداران در پاسخ به سؤالات مرجعی از این دست که از آنها می‌شود؛ سایر پژوهشگران و روشنفکران از ابعاد دیگر، حتی به‌منظور گذران اوقات فراغت نیازمند به مراجعه و مطالعه چنین متونی هستند. این مقاله در صدد معرفی یکی از اصیل‌ترین مراجع سرگذشت‌نامه‌ای است که جامع ابعاد یادشده می‌باشد.

درباره نویسنده

نورالله فرزند شریف‌الدین حسینی مرعشی، صاحب کتاب‌های مجالس المؤمنین، احقاق الحق، صوارم المهرقه، مصائب النواصب و عقائد



**منابع**  
**سرگذشت نامه‌ای،**  
**به‌عنوان یکی از**  
**مهم‌ترین انواع منابع**  
**مرجع، مورد مطالعه**  
**و استناد پژوهشگران**  
**در رشته‌های گوناگون**  
**است**

به‌قصد سودجویی از افرادی که قرار است سرگذشت آنها منتشر شود، اقدام به جمع‌آوری پول می‌کند. از قرن نوزدهم به بعد انتشار منابع سرگذشت‌نامه‌ای بی‌محتوایی که فقط به‌منظور اخذ دلار از عامه مردمی که هوس اشتها داشته‌اند، در کشورهایی چون آمریکا کم نبوده است (کتس، ۱۳۸۲، ص ۴۶۵).

اما انتشار آثار شخصیتی چون قاضی نورالله شوشتری که علامه امینی صاحب‌الذخیر درباره‌ی وی می‌نویسد: «از آثار گران‌بهایش همین قدر توان فهمید که دریای علمی بوده است و نابغهای زبردست در تمام رشته‌های علمی» (امینی، ۱۳۶۲، ص ۲۸۶)، خود به ناشر اعتبار می‌بخشد. کتاب‌فروشی اسلامی، ناشر این کتاب، یکی از قدیم‌ترین و معتبرترین ناشران ایرانی است، که در هر دو زمینه چاپ و نشر فعالیت داشته است، و انتشار صدها اثر برجسته را در کارنامه نشر خود دارد.

از فقیر است، لذا در شمار کتاب‌های ایشان اختلاف نظر است. آیت‌الله مرعشی نجفی(ره) در مقدمه کتاب احقاق الحق ۱۴۰ عنوان اثر را می‌شمارد که از تصنیفات این بزرگ مرد دانشمند است (ابراهیم زاده، ۱۳۸۷).

وی همچنین چون عمویش سیدمیر حبیب‌الله و پدرش و پسرش علاءالملک و همچون نوه‌هایش سیدمحمد شریف و سیدابوالحسن مرعشی شاعر هم هست. او که تخلصش به نوری است، دیوانی دارد که بیانگر قریحه ذاتی اوست. نقد و رد در شعر قاضی نورالله، جایگاه ویژه‌ای دارد. قاضی به هر دو زبان عربی و فارسی شعر سروده است و این بیت از اوست:

خوش پریشان شده‌ای با تو نگفتم نوری  
 آفتی این سروسامان تو دارد در پی

#### ساختار و محتوای کتاب

نسخه مورد بررسی کتاب مجالس المؤمنین در دو جلد و ۱۲۹۲ صفحه در قطع وزیری منتشر شده است. مطالب کتاب در مقدمه، دوازده مجلس و یک خاتمه تنظیم شده است. هر مجلس در واقع حکم یک فصل از کتاب را دارد، که در آن به موضوعی خاص یا معرفی و شرح حال طبقه‌ای از رجال پرداخته شده است. بعضی از فصل‌های کتاب مانند مجلس هشتم که در ذکر ملوک و سلاطین است، به بخش‌های دیگری تحت عنوان جند (لشکر) تقسیم شده است که در هر جند سلاطین دوره یا منطقه‌ای خاص که بر شیعیان فرمان‌روایی داشته‌اند، معرفی می‌شوند. اگرچه کتاب دارای فهرست مندرجاتی است که بعضی از عناوین با ذکر شماره صفحه در آن آمده و برای استفاده از کتاب بسیار مفید است، ولی تهیه ارجاعات داخل متن و نمایه‌های مختلف آخر کتاب، برای چنین منبع ارزشمندی که در آن درباره صدها رجل، طایفه، فرقه، شهر، حادثه و دیگر اعلام صحبت به میان آمده است، ضروری می‌نماید. همچنین اضافه کردن مقدمه‌ای که پوشش و دامنه اثر و شیوه تنظیم مطالب را شرح داده باشد، استفاده از آن را به مراتب سهل‌تر خواهد کرد.

#### همچنین غزل ذیل

عشق تو نهالی است که خواری ثمر اوست  
 من خاری از آن بادیه‌ام کاین شجر اوست  
 بر مائده عشق اگر روزه گشایی  
 هشدار که صدگونه بلا ما حاضر اوست  
 وه کاین شب هجران تو بر ما چه دراز است  
 گویی که مگر صبح قیامت سحر اوست  
 فرهاد صفت این همه جان‌کندن (نوری)  
 در کوه ملامت به‌هوای کمر اوست

(همان)

#### در باره ناشر کتاب

ویلیام کتس در کتاب مقدمه‌ای بر اثر مرجع دلایلی می‌آورد مبنی بر اینکه نام ناشر نشانه‌ای از اعتبار کتاب است. به‌اعتقاد وی پنج ناشر مسئولیت انتشار تعداد زیادی از عناوین مرجع سرگذشت‌نامه‌ای را به‌عهده داشته‌اند (کتس، ۱۳۸۲، ص ۴۶۴). لذا اعتبار ناشر خود یکی از شاخص‌های ارزیابی منابع سرگذشت‌نامه‌ای به‌شمار می‌آید. البته این شاخص زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که نویسنده یا ناشر

### حدود و دامنه کار

در مقدمه به تعریف مطلق شیعه، شیعه دوازده امامی، علت محدود بودن تعداد ائمه (ع) در عدد ۱۲ و مباحثی از این قبیل پرداخته شده است. مجلس اول به توصیف برخی از اماکن علوی (آسمانی)، مانند عرش مجید، دارالسلام و معرفی شهرها و اماکنی که محل استقرار شیعیان بوده، مانند مدینه، کوفه، نجف، کربلا، خوزستان، تبریز (حدود پنجاه شهر)، وجه تسمیه آنها، آب و هوا، عادات و آداب و رسوم ساکنان، حرفه و مشاغل، حوادث مهمی که در آن شهرها واقع شده است، حاکمان و شخصیت‌های برجسته شهر اختصاص دارد.

۱۱ مجلس دیگر طوایفی را که به تشیع مشهورند، مانند اوس و خزرج، صحابی و اکابر شیعه از بنی‌هاشم و غیربنی‌هاشم، تابعین، متکلمین، مفسرین و محدثین و فقها، بزرگان صوفیه، دانشمندان، ملوک و سلاطین و امرا و شعرای عرب و عجم، و سرانجام اندیشه‌ها و آرای برخی از رجال شیعه که از صدر اسلام تا پایان قرن دهم هجری می‌زیسته‌اند، بررسی و نقد می‌کند، و در مجموع بیش از ششصد رجل دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی و ... را معرفی می‌کند.

مؤلف شخصیت‌ها را همراه با نام و القاب، نسب و خاندان، تاریخ و محل زندگی و وفات آنها، فعالیت‌ها، مبارزات و جنبش‌هایی که در آن شرکت داشته‌اند، گرایش‌های مذهبی و اعتقادات، آثار، خطبه‌ها، مناظره با مخالفان و موافقان و دیگر اطلاعات مفید را با ذکر سند و منبع بیان می‌کند، و خواننده ضمن آشنایی با رجل مورد نظر نسبت به عصر و اوضاع اجتماعی او، همچنین سایر فرقه‌های اسلام و منابع و مآخذ مربوط اطلاعاتی کسب می‌کند. البته میزان این اطلاعات، بسته به میزان دسترسی مؤلف به منابع یا میزان اشتها فرد کاملاً فرق می‌کند. مثلاً دربارهٔ زید بن عبید الکوفی تنها یک جمله و کمتر از یک سطر و دربارهٔ حضرت ابوطالب (س) بیش از ۱۵ صفحه ۲۵ سطری مطلب ارائه می‌کند.

خود مؤلف در خاتمه کتاب به این کاستی اشاره دارد، و می‌نویسد که بخش‌هایی از کتاب در ایام فراغ بال، انتظام و ترتیب یافته و برخی در اوقات ملال و خوف فرصت. همچنین اشاره می‌کند که توفیق تحصیل بعضی از کتاب‌ها که کاشف حال عقاید و سرائر باشد، برایش حاصل نشده است، و از آیندگان می‌خواهد که اگر احیاناً اطلاع بر احوال بعضی از ایشان یابند، اضافه و الحاق به حاشیهٔ این اوراق نمایند، و اگر اصلی صحیح‌تر از آن اخبار و اشعار به‌دست آورند در تصحیح آن التفات دریغ ندارند (شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۶۹۹).

ظاهراً این وصیت شهید نورالله تا پایان سال جاری جامهٔ عمل خواهد پوشید. زیرا گروه تصحیح متون بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی اعلام کرده است که این دایرةالمعارف رجالی شیعه که مأخذی برای کتب رجالی شیعه چون اعیان‌الشیعه، ربحانهٔ الادب، روضات الجنات و ریاض‌العلماء است، به زبان‌های عربی و اردو ترجمه و تاکنون چند نوبت چاپ شده است که هیچ‌یک از آنها کامل و منقح نیست و مصححان گروه تصحیح متون با استفاده از منابع مورد استفادهٔ قاضی نورالله و نسخه‌های نفیس و موثقی که در اختیار دارند، آن را تصحیح و تنقیح کرده‌اند که به‌زودی همراه با حواشی، تعلیقات، ترجمهٔ اشعار و عبارات عربی و نمایه‌های مفید، در شش مجلد منتشر خواهد شد (عرب‌پور، ۱۳۸۷).

### نقد کتاب

دایرةالمعارف مصاحب نثر کتاب را که به زبان فارسی است، ساده و روان و خالی از تکلف و دشواری (مصاحب، بخش ۲ از ج ۲، ص ۲۶۵۷) و دایرةالمعارف تشیع آن را دارای نثری فصیح می‌خواند (شریعتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۸۴).

مهم‌ترین نقدی که بر کتاب مجالس المؤمنین وارد کرده‌اند، از جانب علامه قزوینی بوده است که وی را «شیعه تراش» می‌نامد، در این خصوص دایرةالمعارف تشیع به سند و استدلال علامه شوشتری نسبت به تغییر مذهب حجت‌الاسلام احمد غزالی اشاره کرده است (شریعتی، ۱۳۸۳، ص ۸۴). دایرةالمعارف مصاحب نیز در خصوص مجالس المؤمنین می‌نویسد که بنای مؤلف در این کتاب به نشر دعوت شیعه است، و از این‌رو غالب دانشمندان و بزرگان را به تشیع منسوب کرده است (مصاحب، ۱۳۷۴، ص ۲۶۵۷).

نمونه‌ای از شخصیت‌های برجسته و بزرگانی که علامه شوشتری به‌رغم سایر محققان از آنها به‌عنوان شیعه یاد می‌کند، عبارتند از: مولانا، سعدی و حافظ. دلایل علامه نسبت به تشیع آنها در کتاب مجالس المؤمنین در ذیل به‌اختصار ذکر می‌شود.

در خصوص تشیع مولانا در دیوان‌های قدیم مولانا قصایدی مشتمل بر مناقب ائمهٔ اطهار و مثالب اغیار که در مقطع اکثر آنها چنانچه شیوهٔ او بوده اسم شیخ (شمس تبریز) خود را ذکر کرده، بسیار است، لیکن ناسخان کتب او از متصوفهٔ اهل سنت اکثر آنها را از قلم انداخته‌اند و رعایت ناموس بزرگان خود را در آن شناخته‌اند، و با وجود این همه اهتمام که در محو آن قسم کلام داشته‌اند، هنوز سخنان آشنا از خدمت مولوی در میان است که دلیل انتظام او در سلک فرقهٔ مؤمنان است (دلایلی که در مجالس المؤمنین ذکر شده و همچنین اشعار شاعران به تفصیل است، لیکن در اینجا فقط برخی از ابیات که به‌نظر می‌رسد برای بیان مقصود کفایت می‌کند، برگزیده شده‌اند) از آن جمله:

تا صورت پیوند جهان بود علی بود  
تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود  
شاهی که وصی بود و ولی بود علی بود  
سلطان سخا و کرم و جود علی بود  
هارون ولایت که پس از موسی عمران  
والله علی بود علی بود علی بود  
سر دو جهان جمله ز پیدا و ز پنهان  
شمس الحق تبریز که بنمود علی بود

و یا

آفتاب وجود اهل صفا  
آن امام امم ولی خدا  
آن امامی که قایم الحق است  
زو زمین و زمان و ارض و سما  
ذات او هست واجب العصمت  
او منزله ز کفر و شرک و ریا  
بندهٔ قیبرش به جان می‌باش  
تا برنفت به جنت الماوی  
شمس تبریز بنده از جان شد  
جان فدا کرد نیز مولانا

(شوشتری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۵)

